



تغییر چهره شهرهای آینده

شهرها تنها 3 درصد از کل سیاره زمین را پوشانده‌اند، اما تقریباً نیمی از ساکنان زمین در همین شهرها زندگی می‌کنند و این به آن معناست که شهرها موجب ارتباط بیشتر مردم در قالب نیروهای عمده و گول‌پیکر فیزیکی، زیستی و فرهنگی می‌شوند.

شهرها تنها 3 درصد از کل سیاره زمین را پوشانده‌اند، اما تقریباً نیمی از ساکنان زمین در همین شهرها زندگی می‌کنند و این به آن معناست که شهرها موجب ارتباط بیشتر مردم در قالب نیروهای عمده و گول‌پیکر فیزیکی، زیستی و فرهنگی می‌شوند.

خطوط حمل و نقل و ارتباطات گسترده میان شهرها، از بزرگراه‌ها گرفته تا قطارهای تندرو و هواپیماها تجارت را به امری فراگیر در پهنه گیتی تبدیل کرده است. به این ترتیب جهان امروز بشر، کوچک‌تر و دنیا محلی‌تر شده است.

تأثیر همگون سازی آن‌تروپوسین (عصر انسان - دوره جدید زمین شناسی که از سوی پل کراتزن شیمیدان در سال 2002 مطرح شد. از مشخصه های اصلی این دوره تأثیر رفتار انسان بر کره زمین و اتمسفر طی چند قرن اخیر است) بر فرهنگ و شیوه زندگی انسانی به همان اندازه تأثیری است که بر اکوسیستم طبیعی دارد و شهرها بزرگ ترین تجلی این تأثیر هستند. آنها به راستی جهان‌شمولند. از آنجا که شهرهای مختلف در دورترین نقاط جهان تجربیات یکسانی را به دست می‌دهند، شاید بتوان گفت هر فردی به شخصه احساس غریبی در هیچ شهری نمی‌کند. هر چند ممکن است برخی شهرها خشن‌تر و برخی آرام‌تر یا برخی ثروتمندتر باشند، اما در مجموع فضای شهری یک شکل است. تفاوت‌ها و تجربیات متنوعی که در جهان طبیعی وجود دارد به هیچ وجه در فضای شهری دیده نمی‌شود.

این که توده مردم جذب شیوه زندگی شهری می‌شوند، باعث شده در کلانشهرهایی همچون نیویورک شاهد آن باشیم که مردم به بیش از 800 زبان مختلف سخن می‌گویند (گفته می‌شود این میزان، بیشترین تراکم زبان در دنیاست).

در لندن کمتر از نیمی از جمعیت را بریتون‌های سفید تشکیل می‌دهند. این رقم در یک دهه گذشته از 58 درصد به کمتر از 50 درصد رسیده است. در همین حال میزان کاهش زبان در سراسر جهان نسبت به هر زمان دیگری بیشتر شده است. امروزه در هر دو هفته یکی از 7000 زبان زنده دنیا از بین می‌رود.

تأثیر این عصر را نمی‌توان فقط از منظر فرهنگی نگریست، بلکه از منظر زیست‌شناختی مهم است. دیگ‌های جوشان شهری، بشر را به صورت ژنتیکی تهدید می‌کند. براساس نظر استیو جونز که یک نسل‌شناس بوده و پژوهش‌هایی درباره ازدواج‌های میان مردم شهر و روستا انجام داده، گسترش تفاوت‌های ژنتیکی را می‌توان از زمان اختراع دوچرخه به بعد تعقیب و مشاهده کرد.

اما گرایش به شهرنشینی در این دوران یک امتزاج غیرمترقبه را به بار آورده است. در نتیجه جونز معتقد است که امروزه انسان‌ها از نظر ژنتیکی نسبت به صد هزار سال قبل بیشتر شبیه به یکدیگر شده‌اند. اختلاط فرهنگی همان‌طور که به خلق کارهای بزرگ علمی، هنری، موسیقایی و بسیاری از جنبه‌های دیگر منجر شده است در از بین بردن موانع میان نسل‌ها تأثیر زیادی داشته است. تمرکز انسان بر زندگی شهری تجربیات و دریافت‌هایی را به وی تحمیل کرده که در هیچ نوع زندگی بشری دیگری و در هیچ گونه جانوری دیگری قابل رویت نیست.

شهرهای مجازی و انقلاب مجازی

حال که فناوری‌های نوین برای ارتباط سریع افراد با شرکت‌ها، حوزه‌های دولتی و خبررسانی به میلیون‌ها انسان دیگر از طریق بستر اینترنت فراهم شده و در دسترس عموم قرار دارد، شهرها ابعاد جدیدی پیدا کرده‌اند. شهرهای مجازی که در اثر ارتباط افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیسبوک خلق شده‌اند به طور غیرقابل باوری قدرتمند بوده و لزوماً هم به مرزهای جغرافیایی حقیقی محدود نمی‌شود.

افراد همفکر بسادگی یکدیگر را در تالارها و انجمن‌های آنلاین پیدا کرده و در جهت منافع خاصی دور هم جمع می‌شوند. برنامه‌های کاربردی مجازی هم برای دور زدن شلوغی‌های رایج و یافتن افراد همسو بسیار سودمندند.

باشگاه‌های آنلاین و به طور مثال شبکه خرید گروپون در تلاش برای خصوصی سازی ارزش‌های مبادلاتی بوده و ممکن است برای مبادلات یک شخص با مغازه‌ای در همسایگی‌اش راهکار ویژه‌ای تعریف کنند.

درخواست های مبنی بر تغییر اجتماعی و سیاسی در این جوامع مجازی امکانپذیر شده و دولت ها و شرکت ها را در مسیری که در گذشته هرگز میسر نبوده قرار داده است.

به جای این که برای پیدا کردن اطلاعات کتاب های زیادی را زیر و رو کنیم، تنها از طریق داده های آنلاین و الگوریتم های مخصوصی می توانیم انبوهی از اطلاعات را در کسری از ثانیه جستجو کرده و به مطلب مورد نظر برسیم. تسهیلات دنیای مجازی واقعا سودمند بوده و به عنوان مثال روزنامه نگاران و دیگر گروه ها را در یافتن نقص ها، پرداخت مالیات و دیگر مسائل مورد علاقه عموم یاری می کند. چنین اطلاعاتی در چند ثانیه قابل انتشار بوده و از سوی میلیاردها نفر دیده می شود. در چند ثانیه می توانید تعداد افراد زنده مانده پس از بیماری سرطان در یک منطقه یا کشور را مقایسه کرده یا می توان صدها نظر درباره محصولی که قصد خرید آن را دارید، مطالعه کنید.

باید گفت امروزه شهرهای حقیقی و مجازی بشدت در هم گرفتار شده اند. جمع آوری اطلاعات و ساختن جامعه در فضای مجازی بسیار راحت تر از شهرهای بزرگ دوره آنتروپوسین است که اعضای گروه ها در آن ممکن است بسیار از هم دور بوده یا ملاقاتشان با یکدیگر با سختی های زیادی همراه باشد.

اما بحث ها و تغییرات دنیای واقعی براحتی این انجمن های آنلاین را به سمت اتاق فضاهای دولتی، رسانه های جریان اصلی در تلویزیون، رادیو و نشریات کشانده است.

انقلاب های عربی در سراسر شمال آفریقا و خاورمیانه از طریق شهرهای مجازی توئیتر، فیسبوک، پیامک و دیگر برنامه ها هماهنگ شده و بوقوع پیوست، اما محل وقوع آنها در خیابان ها و میداین شهرها بود و خون و گوشت افرادی را که از طریق گوشی های هوشمند و کامپیوترها به هم پیوند خورده بودند در خیابان های شهرهای حقیقی به هم پیوند زد.

یک گروه توئیتری، شرکت استار باکس را مجبور به پرداخت میلیاردها پوند به دولت بریتانیا کرد. این اتفاق پس از معافیت مالیاتی قانونی آنها در سال گذشته رخ داده است. بنابراین می توان گفت شهرهای مجازی به اندازه مدل حقیقی شان جهانی است. مردم از سراسر دنیا می توانند بصورت اینترنتی دورهم جمع شده و نوآوری ها، ایده ها، ابداعات، استعدادهای هنری و حتی فشار برای اعمال تغییر را به اشتراک بگذارند یا دوست یابی کنند. شهر مجازی، امکان کوچک کردن و فیلترینگ ابرشهرهای واقعی را ایجاد کرده تا به کمک آن در زمان و انرژی لازم برای انجام سفرهای واقعی صرفه جویی شود. به علاوه، شهرهای مجازی به صورت جداگانه به هدایت بشریت از طریق خلاقیات های مشترک و حل مساله کمک می کند. شهر مجازی، سمت و سویی مشکل سازتر هم دارد. در طول روز ممکن است یک فرد در یک شهر غربی با داده هایی بیش از داده هایی که فردی در قرن پانزدهم در تمام طول عمر خود با آنها مواجه می شد، مواجه شود.

اکنون تولد های دیجیتالی در قیاس با ویرایش آنالوگ آن پیشی گرفته و والدین کودک با ارسال تصاویر سونو گرافی فرزندشان در فیسبوک، قبل از تولد کودک، دامنه اینترنتی مربوط به نوزادشان را ثبت می کنند. دولت ها، شرکت ها، سازمان ها و اجتماعات فردی می توانند داده های ثبت شده درباره ما را به دست آورده و برای اهداف و مقاصد خاصشان استفاده کنند. این تحلیل های برگرفته از حریم خصوصی ممکن است خوب یا بد باشد، اما باید گفت اکنون بخشی از زندگی ما در عصر آنتروپوسین است.

داده های جمع آوری شده مربوط به مشتریان از سوی سیستم مرکزی سوپرمارکت های ایالات متحده اجازه می دهد بتوان با دقت بالایی حدس زد کدام یک از مشتریان خانم بتازگی باردار شده و زمان تولد نوزادشان چه موقع است. یک مغازه می تواند با استفاده از این اطلاعات، خانمی را به منظور تبلیغات محصولات مرتبط با بارداری و نوزاد در زمانی که حتی هنوز او این موضوع را با کسی در میان نگذاشته، استفاده کند. شاید از نظر شما این کار نادرستی باشد، اما اگر با استفاده از آنالیز میزان مصرف انرژی، پلیس قادر به تشخیص خانه ای باشد که در آنجا کشت ماری جوانا انجام می شود چه؛ باز هم می گوییم بد است؟

همه ما زمانی که تراکنش بانکی به وسیله دستگاه خودپرداز انجام داده یا وارد یک وب سایت می شویم در حال تولید اطلاعات هستیم. در عصر آنتروپوسین، این ما هستیم که باید تصمیم بگیریم چه کسی ممکن است صاحب داده های ما شده یا با چه کسی به اشتراک گذاشته شوند یا خیر، اطلاعات ما قرار است کاملاً خصوصی باشند. راستش را بخواهید در این مورد آخر شک و شبهه های فراوانی وجود دارد.

بی بی سی / مترجم: آتنا حسن آبادی